# استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

سیدمحمدحسین راجی[[1]](#footnote-1)

چکیده

یکی از بارزترین صفات حکومت پهلوی ، وابستگی به دولت‌های بیگانه و به ویژه آمریکا بود. این درحالی ‌است که یکی از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار شد که همراه اصل آزادی در کنار اسلام، به‌عنوان اصلی تفکیک‌ناپذیر، به قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شد و حفظ استقلال، وظیفۀ آحاد ملت و دولت و کارویژۀ اصلیِ سیاست کشور تلقی شد. مقولۀ استقلال از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یکی از شاخص‌های مهم و جزو آرمان‌های اصلی انقلاب به‌شمار می‌رود.

در بحث استقلال ایجابی، به‌نظر امام‌خمینی هدف انقلاب اسلامی تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری است. ایشان «سپردن کار به کاردانان وطن‌خواه امین» و خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و نیز استقلال فکری مراکز آموزشی را از پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق استقلال برشمرده‌ است.

با وجود مصداق‌های بسیار برای استقلال ایران اما هنگامی که بحث استقلال در جمهوری اسلامی مطرح می شود -به واسطه حجم عظیم شبهات از سوی دشمنان نظام- شبهات مختلفی مطرح می شود که برنامه جامع همکاری های 25 ساله ایران و چین و واگذاری 32 درصد از دریای خزر توسط ایران به روسیه از جمله این شبهات به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: استقلال ایران، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال نظامی، وابستگی ایران در حکومت پهلوی

­­یکی از مهم‌ترین اهداف هر انقلاب، رسیدن به استقلال و وابسته‌نبودن ملت به کشورهای استعماری و استکباری است که در این مقاله به بررسی استقلال و وابستگی نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پرداخته می‌شود.

## از وابستگی دوران پهلوی تا استقلال ایران‌ اسلامی

یکی از بارزترین صفات حکومت پهلوی ، وابستگی به دولت‌های بیگانه و به ویژه آمریکا معنا بود. این درحالی ‌است که یکی از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار شد که همراه اصل آزادی در کنار اسلام، به‌عنوان اصلی تفکیک‌ناپذیر، به قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شد و حفظ استقلال، وظیفۀ آحاد ملت و دولت و کارویژۀ اصلیِ سیاست کشور تلقی شد.[[2]](#footnote-2) مقولۀ استقلال از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یکی از شاخص‌های مهم و جزو آرمان‌های اصلی انقلاب به‌شمار می‌رود.

از نظر حضرت امام استقلال دو بُعد سلبی و ایجابی دارد. استقلال سلبی همان استعمارزدایی است که زمینه‌ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می‌شود.[[3]](#footnote-3) امام راحل یکی از اهداف انقلاب اسلامی را قطع دست اجانب از مملکت اسلامی، قطع ریشه‌های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد، قطع منافع و مطامع استعمارگران و در یک‌کلام، استقلال از استعمار خارجی دانسته‌اند. این بزرگوار ضمن تأکید بر ماهیت ضداستعماری نهضت، هدف انقلاب اسلامی را خارج‌شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و درنهایت، شکست ابرقدرت‌ها دانسته و در این زمینه، بر کوتاه‌کردن دست جنایتکاران خارجی و به‌انزواکشاندن قدرت‌های استعماری در جهان و نیز مقابله با ایادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکید بسیار کرده‌اند.[[4]](#footnote-4)

در بحث استقلال ایجابی، به‌نظر امام‌خمینی هدف انقلاب اسلامی تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری است. ایشان «سپردن کار به کاردانان وطن‌خواه امین»[[5]](#footnote-5) و خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و نیز استقلال فکری مراکز آموزشی را از پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق استقلال برشمرده‌ و می‌فرمایند:

همه‌چیزمان باید مستقل بشود. استقلال با وابستگی جمع نمی‌شود و مـا [اگر] فرهنگمان وابسته بشود، استقلال نداریم؛ اقتصادمان وابسته بـشـود، اسـتـقـلال نـداریـم. اول باید آن مطلب را درستش کرد: استقلال اقتصادی. اول باید او را درستش کرد تا ما بتوانیم اسم خودمان را یک مملکت بگذاریم.[[6]](#footnote-6)

## استقلال نظامی

قوای نظامی هر کشور ستون اقتدار هر کشور تلقی می‌شود. شاهان پهلوی با خرید انواع تسلیحات غربی، به‌ویژه از آمریکا، سعی در تقویت نیروی نظامی ایران داشتند؛ ولی در واقعیت، غربی‌ها با فروش انواع سلاح‌های خود با چندبرابرِ قیمت به ایران، قصد به‌تاراج‌بردن ذخایر این ملت را داشتند و از سویی دیگر، آن‌ها ایران را انباری از مهمات کرده ‌بودند و در مواقع مختلف، بدون اجازۀ ایران، از آن‌ها استفاده می‌کردند. برای نمونه اسدالله علم در خاطرات روز دوشنبه 15 شهریور 1355 دربارۀ گران‌کردن تجهیزات نظامی چنین نوشته است:

... شاه گفت: «با وجود این که سازنده کتباً تایید کرده است که قیمت هر هواپیما ۵/۶میلیون دلار است، چطور آن را به 18میلیون دلار افزایش دهند؟!...» در پاسخ گفتم: «همان کاری که درموردِ ناوشکن‌های اسپروانس کردند: ۶ فروند این کشتی‌ها 280میلیون دلار برآورد شده بود؛ اما ما مجبور شدیم ۶00میلیون دلار بپردازیم! ...به نظر می‌رسد که پنتاگون در بالاکشیدن مابقیِ ناچیزِ درآمد نفتی ما وقت را تلف نمی‌کند.»[[7]](#footnote-7)

جمهوری اسلامی به‌عنوان طلایه‌دار جبهۀ مقاومت در منطقه، توانسته است در طول جنگ تحمیلیِ هشت‌ساله، جنگ 33روزۀ حزب‌الله، جنگ 22روزه، فتنۀ داعش و...، در مقابل کشورهای بزرگ استعماری، قدرت نظامی و سیاسی خود را نشان دهد و امروزه، همگان به رشد روزافزون نفوذ این کشور در منطقه اعتراف می‌کنند.

## استقلال اقتصادی

مصادیق وابستگی پهلوی به غرب متعدد بوده است؛ ازاین‌رو به‌صورت مختصر چند نمونه را بیان می‌کنیم.

ژنرال ویلیامسون، رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران، در پایان مأموریت دوسالۀ خود می‌گوید:

این دو سال 1971تا1973م، به‌نظرم دویست سال طول کشید که در این مدت، درموردِ 700 قرارداد به‌ارزش تقریبیِ 4میلیارد دلار مذاکره کردم... . ایران مرکز معاملۀ خوبی بود. این کشور بوفۀ بازرگانان نام گرفته بود. این بوفه بسیار بسیار خوب بود و منافع تجاری در آن فوق‌العاده بود.[[8]](#footnote-8)

مایکل لدین نیز نوشته است:

«در برابر هر دلاری که ایالات متحده برای خرید نفت ایران خرج می‌کرد، ایرانی‌ها دو دلار برای خرید تجهیزات نظامی و سایر کالاها به ایالات متحده برمی‌گرداندند.»[[9]](#footnote-9)

حکومت پهلوی مخارج خود و کشور را از راه فروش نفت خام تأمین می‌کرد؛ ازاین‌رو به قیمت نفت و افت‌وخیز بازارهای جهانی به‌شدت وابسته بود. جمهوری اسلامی با رویکرد مبارزه با وابستگی به نفت، توانست روزبه‌روز وابستگیِ خود به نفت را کاهش دهد؛ به‌نحوی‌که در سال 1976م (1355ش) نزدیک به 93درصد از صادرات ایران، سهم نفت خام بوده است و جمهوری اسلامی توانست در سال 2019م (1398ش) این سهم را به حدود ۴۹ درصد کاهش دهد.



|  |
| --- |
| تصویر 1: نمایش رتبه‌بندی تنوع کالاهای صادرشدۀ ایران در سال 2019م |
| *لینک سایت :*<https://oec.world/en/profile/country/irn> |



|  |
| --- |
| تصویر 2: نمایش رتبه‌بندی تنوع کالاهای صادرشده ایران در سال 1976م |
| لینک سایت :<https://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/sitc/export/irn/all/show/1976/> |

از مشکلات کشورهای نفت‌خیز، وابستگیِ بیش‌ازحد به قیمت نفت است؛ ازاین‌رو کشورهای تولیدکنندۀ نفت همواره سعی در کاهش وابستگی به قیمت جهانی نفت دارند. تصویر 3، وابستگیِ کشورهای عضو اُپک به نفت را نشان می‌دهد. این اطلاعات که مربوط به سال 2017م است، نشان می‌دهد که کشور عربستان صعودی برای‌اینکه کسریِ بودجه نداشته باشد، باید نفت خود را به قیمت 83.8 دلار بفروشد و کشور ایران هر بشکه نفت خود را به قیمت 51.3 دلار؛ این درحالی است که هر بشکه نفت اپک، 52.7 دلار قیمت داشته است و در این صورت، ایران دچار افزایش ذخیرۀ ارزی شده و کشورهای عربستان و نیجریه و... به کسری بودجه دچار شده‌اند.



|  |
| --- |
| تصویر 3: نمودار وابستگی کشورهای اپک به قیمت نفت در سال 2017 م |
| لینک سایت:<https://www.statista.com/chart/10498/oil-prices-per-barrel-needed-for-opec-countries-to-balance-their-budgets/> |

## استقلال فرهنگی

استحاله فرهنگ غنی مردم مسلمان ایران در رأس تمام فعالیت‌های فرهنگی دوران پهلوی قرار داشت. در این دوران، غرب توسط پهلوی‌ها و درباریان، به‌عنوان الگویی بی‌بدیل برای تبعیت به مردم معرفی می‌شد؛ برای نمونه، میرزاملکم‌خان که پدر روشن‌فکری و پایه‌گذار لژهای فرماسونری در ایران است، نوشته است: «من همین‌قدر می‌گویم که ما در مسائل حکمرانی، نه می‌توانیم و نه باید از پیش خود اختراعی نماییم. یا باید علم و تجربۀ فرنگستان را سرمشق خود قرار بدهیم، یا باید از دایرۀ بربری‌گریِ خود قدمی بیرون نگذاریم.»[[10]](#footnote-10)

در گزارش‌عملکرد سال 19۶2م، کمیسیون مبادلات فرهنگی و آموزشی ایران و آمریکا که در سال 130۴ به ریاست محمدعلی فروغی تأسیس شد، به‌طور مشخص از اهدافی از این دست نام برده شده است: معرفی آمریکا به‌عنوان ملتی قوی و دموکراتیک و پویا و معرفی ارزش‌ها و شیوۀ زندگی آمریکایی، به‌عنوان الگوی آرمانیِ ایرانیان.[[11]](#footnote-11)

فسادهای بی‌شمار دربار و ترویج بی‌بندوباری در اکثر نقاط کشور، در دستور کار حکومت قرار گرفت و همّ‌وغم پهلوی ازبین‌بردن اسلام در کشور ایران بود. ابتذال و بی‌بندوباری افسارگسیختۀ پهلوی، حتی از کشورهای اروپایی نیز بیشتر بوده که از مصادیق آن می‌توان به جشن هنر شیراز و ازدواج هم‌جنس‌بازان اشاره کرد.

آنتونی پارسونز در دیدار با شاه برای نشان‌دادن عمق فاجعه‌ای که در جشن هنر شیراز می‌گذشت، به او می‌گوید:

جشن هنر سال 13۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقیِ ایرانیان، از جشن هنر پیشین فراتر رفته بود. به‌عنوان مثال... یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد، تجاوز به عنف بود که به‌طور کامل، نه به‌طور نمایشی و وانمودسازی، به‌وسیلۀ یک مرد کاملاً عریان یا بدون‌شلوار، درست به خاطر ندارم، با یک زن که پیراهنش به‌وسیلۀ مرد متجاوز چاک داده می‌شود، در مقابل چشم همه صورت گرفت؛ ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراض که علیه این نمایش برخاست، به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به این خاطر، موضوع را با شاه در میان گذاشته و به او گفتم: «اگر چنین نمایشی، به‌طور مثال در شهر وینچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به‌در نمی‌بردند!» شاه مدتی خندید و چیزی نگفت....[[12]](#footnote-12)

یکی از وقایعی که واقعاً مردم را به خشم آورد، به ماجرای ازدواج دو پسر در سال 19۶8 مربوط می‌شد که فرزندان دو ژنرال سرشناس بودند و اتفاقاً یکی از آن‌ها، کیوان خسروانی، به‌عنوان طراح لباس شهبانو فرح معروفیت داشت. این ازدواج غیرعادی در هتل کمودور تهران صورت گرفت و پایتخت کشور شاهنشاهی ایران درحالی شاهد این رویداد بود که هم احکام اسلام به ممنوعیت همجنس‌بازی صراحت داشت و هم در اکثر کشورهای اروپایی، هنوز همجنس‌بازی اقدامی غیرقانونی تلقی می‌شد![[13]](#footnote-13)

خلاصه تمام اقدامات رژیم پهلوی را می توان در جمله ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی یافت که می نویسد: «اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان بپرسید که چرا رژیم را مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند و جواب آنها را جمع کنید، فساد و انحطاط اخلاقی رژیم در ردیف اول پاسخ آنها خواهد بود.»[[14]](#footnote-14)

اما انقلاب اسلامی در نخستین روز‌های تأسیس، اسلامی‌کردن امور را اصلی مهم در فعالیت‌های فرهنگی قرار داد. انقلاب فرهنگی به‌منظور پاک‌سازی دانشگا‌ه‌ها، تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، تألیف کتب متناسب با فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و... ازجمله اقدامات مهم و کلیدیِ نظام در راستای ترویج فرهنگی اسلامی‌ایرانی به‌شمار می‌رود.

استقلال فرهنگی کشور تا به آن حد ارتقا یافت که انقلاب اسلامی، ایران را از کشوری متأثر از فرهنگ مبتذل غربی در اواخر دوران پهلوی، به کشوری مؤثر در سال‌های اخیر تبدیل کرده است. فرهنگ غنی کشور که در سایۀ انقلاب اسلامی رشد و نمود یافته، توانسته است در قلب کشورهای غربی و استعماری نفوذ کند و دل‌های بسیاری را مشتاق تفکر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی کرده است. ازجمله اقدامات دولت‌های غربی برای نفوذ فرهنگی در کشور و اضمحلال فرهنگ اصیل اسلامی‌ایرانی، می‌توان تدوین برنامه‌های مختلفی ازقبیل سند 2030 را نام برد که جمهوری اسلامی با شناخت دقیق این سند، با تصویب آن در کشور مخالفت کرد تا مانع رسوخ فرهنگی بیگانگان در کشور شود.

## استقلال سیاسی

انتخاب و انتصاب مسئولین، ابتدایی ترین حق یک کشور محسوب می‌شود. در دوران پهلوی به‌حدی بود که انتخاب نخست‌وزیر و سایر مسئولین باید با نظر مستقیم غرب انجام می‌شد. رجال سیاسیِ وابسته به غرب، از خود رضا خان و محمدرضا گرفته تا عناصر مختلف دربار، نکته‌ای تأمل‌برانگیز در وابستگی بی‌چون‌وچرای رژیم پهلوی است. افشای این واقعیت از زبان عناصر دربار، بهترین سند برای وجود وابستگی در سران پهلوی است. وابستگی رضاشاه به حدی بود که فردوست، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی و یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین چهره‌های سیاسی- اطلاعاتی دوران حکومت پهلوی می نویسد:

«رضاخان یک عامل انگلیس بود و در این تردیدی نیست. کودتای 1299 طبق اسنادی که دیده‌ام و یا شنیده‌ام، در ملاقات ژنرال آیرونساید انگلیسی با رضا، در حضور سیدضیاءالدین برنامه‌ریزی شد و پس از آنکه کودتا صورت گرفت، قریب پنج سال طول کشید تا رضاخان به سلطنت رسید. در این مدت رضاخان سردار سپه و وزیر جنگ و نخست‌وزیر شد. شاپور جی روزی کتاب محرمانه‌ای را به من نشان داد که در یک بند آن نوشته شده بود: «نایب‌السلطنه هندوستان (قائم‌مقام دولت انگلیس) می‌خواست فرد مناسبی را برای ادارة ایران پیدا کند و به دستور او، پدر شاپورجی، این فرد را که رضاخان بود، پیدا کرد و به نایب‌السلطنه معرفی نمود. منظور شاپورجی این بود که سلطنت پهلوی به دست پدر او تأسیس شده است...»[[15]](#footnote-15)

محمدرضا پهلوی در کتاب «انقلاب سفید» در خصوص اعمال نفوذ بیگانگان در مهم‌ترین رکن کشور، در دوران پدرش و بعد از آن، اعترافی نموده که قابل توجه است:

«... بعد از رفتن پدرم (شهریور 1320) مدتی مدید، کارها در ظاهر به دست یک عده ایرانی، ولی در عمل، قسمتی به دست سفارت انگلستان و قسمت دیگر به دست سفارت روس انجام می‌گرفت، و به طوری که در کتاب «مأموریت برای وطنم» شرح دادم، صبح مستشار سفارت انگلستان با یک لیست انتخاباتی به سراغ مراجع مربوطه می‌آمد و عصر همان روز، کاردار سفارت روس با لیست دیگری می‌آمد... متأسفانه من بیست سال تمام از دوران سلطنت خودم، با چنین مجلس‌هایی سر و کار داشتم و همیشه می دیدیم که در آنها در برابرهر اقدامی اصلاحی که متضمن نفع اکثریت ملت بود، ولی به نحوی از انحاء به منافع اقلیت حاکمه لطمه می‌زد، سدی از مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها پدید می‌آمد که آن اقدام را خنثی و بی‌اثر می‌کرد»[[16]](#footnote-16)

این وابستگی ها فقط به دوران رضا شاه، خلاصه نمی شود بلکه در دوران سلطنت محمد رضا نیز با شدت ادامه داشت. اردشير زاهدي داماد شاه و آخرين سفير او در آمريكا می نویسد:

«بايد عرض كنم كه انتصاب هويدا به نخست‌وزيري اگر چه ظاهراً اتفاقي صورت گرفت اما هويدا نخست‌وزيري بود كه آمريكا، انگلستان و اسرائيل روي او توافق كرده بودند و به همين دليل اعليحضرت با آن كه چند بار كوشيد تا هويدا را كنار بگذارد و من يا اسدالله علم و يا هوشنگ انصاري را مأمور تشكيل كابينه نمايد، موفق نشد.[[17]](#footnote-17)»

البته این خاطرات مطلب عجیبی نیست زیرا شاهی که خود، توسط بیگانگان انتخاب شده باشد، طبیعی است که وزرایش نیز باید وابسته باشند. حسین فردوست در بخشی از خاطرات خود با اشاره به ملاقاتش با ترات، رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و ناراحتی او از اینکه محمدرضا به رادیوهای آلمان گوش می‌کند و از روی نقشه‌های آن‌ها جنگ جهانی دوم را دنبال می‌کند، می‌گوید:

پس از بازگشت، جریان را به محمدرضا گفتم. او شدیداً جا خورد و پرسید: «انگلیسی‌ها از کجا می‌دانند که من به رادیو گوش می‌دهم؟... فردا اولِ‌وقت، با ترات تماس بگیر و بگو محمدرضا نقشه‌ها را پاره کرد و به هیچ رادیویی هم گوش نخواهد کرد؛ مگر رادیوهایی که ترات اجازه دهد!»[[18]](#footnote-18)

طبق تحقیقات سنای ایالات متحده، تعداد مستشاران آمریکایی در ایران که در سال 1972، ۱۶هزار نفر بود، در سال 197۶ به ۲۴هزار نفر افزایش یافته بود[[19]](#footnote-19). در گزارش سنا هم آمده بود که تعداد آمریکایی‌ها در ایران، می‌بایست به‌واسطۀ خرید بیشترِ اسلحه از آمریکا، تا سال 1980 به ۶۰هزار نفر برسد.[[20]](#footnote-20)

حال با ظهور انقلاب اسلامی، وابستگی‌های سیاسی و اداریِ ایران از کل کشورهای دنیا قطع شد و شعار راهبردی ایران، یعنی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به گوش تمام کشورهای جهان رسید.

مردم ایران با جمهوری اسلامی، معنای واقعی استقلال در انتخاب مسئولین و سیاست‌گذاران کشور را درک کرده و به بیگانگان مجال دخالت در امور سیاسی کشور را ندادند. روابط خارجۀ ایران نیز درخورِتوجه بوده و ایران قبل از انقلاب را که صرفاً پیاده‌نظام دولت‌های غربی در منطقه بود، امروز اثرگذارترین کشور منطقه و بعضاً دنیا می‌دانند. طبق گزارش اَمِریکَن اینترست، ایران هفتمین قدرت در دنیا شناخته شده است.

|  |
| --- |
|  |
| تصویر 4: گزارش اَمِریکَن ایرنست دربارۀ 8 قدرت برتر دنیا در سال 2017 که ایران در جایگاه هفتم دنیا قرار گرفته است. |

لینک سایت:

<https://www.the-american-interest.com/2017/01/24/the-eight-great-powers-of-2017/>

#### پاسخ به دو شبهه

هنگامی که بحث استقلال در جمهوری اسلامی مطرح می شود -به واسطه حجم عظیم شبهات از سوی دشمنان نظام- شبهات مختلفی مطرح می شود که ما در اینجا به دو مورد آن اشاره خواهیم کرد

##### برنامه جامع همکاری (۲۵ساله) ایران و چین

 یکی از شبهات درباب استقلال ایران برنامه جامع همکاری های 25ساله ایران و چین است که برخی اینگونه القاء می کنند که ایران به چین فروخته شد.

جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، دو تمدن کهن آسیایی و دو شریک نزدیک در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هستند با دیدگاه‌ها و منافع مشترک بسیار در عرصه دو جانبه و چند جانبه که یکدیگر را شریک راهبردی و استراتژیک خویش تلقی می‌کنند. به رسمیت شناختن مشترکات فرهنگی، چند جانبه گرایی، حمایت از حق ملت ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و اشتراک دیدگاه های مشابه در مورد مسائل مختلف جهانی، موجب گسترش روابط دو کشور به سطح راهبردی مبتنی بر منافع متقابل شده است.

 مشارکت جامع راهبردی بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران که در ژانویه ۲۰۱۶ میلادی منتشر شده است، بر ضرورت ایجاد مکانیزم و فراهم آوردن زیر ساخت های لازم برای توسعه‌ی همکاری ها در یک چشم انداز ۲۵ساله تأکید می‌کند. در مشارکت راهبردی جامع چین-ایران مبتنی بر رویکرد منافع متقابل در زمینه دو جانبه، منطقه ای و بین الملل، با در نظر داشتن ظرفیت های عظیم همکاری، طرفین برای دسترسی به اهداف مختلفی همکاری خواهند کرد

###### اهداف، اصول و ویژگی های برنامه همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین

اهداف:

ارتقای عملی روابط در سطح مشارکت جامع راهبردی بر اساس اعلامیه دو رئیس جمهوری در بهمن ۱۳۹۴

نقشه راه و افق بلندمدت روابط در عرصه های مختلف برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی آن

فراهم ساختن بستری مناسب برای توسعه همه جانبه همکاری ها در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی میان دو تمدن کهن آسیایی

اصول:

احترام متقابل و پیگیری منافع مشترک به صورت برد - برد در روابط دو جانبه، منطقه ای و بین المللی

به رسمیت شناختن اشتراکات فرهنگی، تقویت چندجانبه گرایی، حمایت از حق دولت ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و بومی بودن مدل توسعه

ویژگی ها:

اشتراک نظر دو کشور در ارتباط با بسیاری از مسائل منطقه ای و بین المللی به ویژه مبارزه با یکجانبه گرایی

**برنامه سیاسی، راهبردی، اقتصادی و فرهنگی برای ترسیم چشم انداز ۲۵ ساله همکاری دو کشور**

سیاسی - راهبردی

ارتقای تبادلات، رایزنی و همکاری در نهادهای منطقه ای و بین المللی

همکاری و تقویت زیرساخت های دفاعی و مقابله با تروریسم

اقتصادی

پیوند دادن ایران به زنجیره ارزش محور از طریق تکمیل زنجیره های مکمل داخلی

تولید مشترک به منظور تامین بازارهای داخلی دو کشور و کشورهای ثالث با بهره برداری از ظرفیت های دو کشور

همکاری در حوزه های نفت، صنعت، معدن و حوزه های مرتبط با انرژی (نیرو، انرژی های تجدیدپذیر و ...) مبتنی بر دغدغه های توسعه ملی پایدار و زیست محیطی

مشارکت موثر ایران در ابتکار کمربند - راه

همکاری در زمینه های زیرساختی، ارتباطی (ریلی، جاده ای، بندری و هوایی)، مخابراتی، فناوری، علمی، آموزشی و بهداشتی

تسهیل همکاری های مالی - بانکی، گمرکی و مقررات زدایی

همکاری در توسعه مناطق ویژه و آزاد تجاری و صنعتی از جمله در سواحل مکران

تقویت همکاری های غیرنفتی با تمرکز بر حوزه دانش بنیان

تسهیل همکاری ها در زمینه سرمایه گذاری و تامین مالی پروژه ها و همکاری های اقتصادی

تسهیل همکاری های بخش خصوصی از طریق رفع موانع همکاری

فرهنگی

افزایش شناخت متقابل از طریق ارتقاء تبادلات مردمی، گردشگری، رسانه ای، سازمان‌های مردم نهاد، انجمن های دوستی و همکاری دانشگاهی

سرمایه گذاری و کمک به تکمیل زیرساخت های لازم برای ارتقاء همکاری‌های فرهنگی در حوزه های مختلف از جمله صنعت گردشگری[[21]](#footnote-21)

###### تصورات و القائات خلاف واقع درباره برنامه راهبردی ۲۵ ساله

1. این سند قرارداد و معاهده نیست.
2. این سند هیچ تعهدی برای هیچیک از طرفین ایجاد نمی کند؛ بلکه چشم انداز روابط را ترسیم می‌کند.
3. بر اساس تفسیر حقوقی دولت و شورای عالی امنیت ملی، این سند طبق قانون اساسی و به دلیل ایجاد نکردن هیچگونه تعهدی نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نیست ولی نسخه ای از آن برای رییس مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.
4. انتشار این سند همچون اسناد مشابه نیازمند توافق هر دو طرف امضاکننده است و عدم انتشار عمومی چنین سندهای راهبردی متداول و معمول است.
5. این سند حاوی هیچ عدد و رقمی درخصوص همکاری‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، راهبردی و یا سرمایه گذاری و منابع مالی و پولی نیست.
6. به این سند هیچ منطقه ای و یا حتی نقطه ای را واگذار نمی کند و هیچ حق انحصاری در هیچ حوزه ای ایجاد نمی‌نماید.
7. مدیریت، اداره و یا بهره برداری از هیج منطقه و یا حوزه‌ای واگذار نشده است.
8. استقرار هیچ نیروی نظامی در این سند پیش بینی نشده و هیچ امکانی برای در اختیار گرفتن پایگاه وجود ندارد.
9. این سند در مخالفت با هیچ طرف ثالث و یا برای مداخله در امور هیچ کشوری نیست.

### دریای خزر

یکی دیگر از شبهاتی که در باب ارتقای استقلال جمهوری اسلامی ایران مطرح می شود واگذاری 32درصد از دریای خزر توسط ایران به روسیه است!

واگذاری سهم ایران از دریای خزر و عقب نشینی جمهوری اسلامی از حقوق ملت خود، شبهه ای است که غالبا پیرامون موضوع حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران طرح می شود.

«ایران و شوروی سابق، به عنوان دو کشور ساحلی دریای خزر، هر کدام مالک ۵۰ درصد از این دریا بوده‌اند و در معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز که بین دو کشور امضا شده است، این مالکیت ۵۰ درصدی به رسمیت شناخته شده است ولی جمهوری اسلامی از حقوق ملت ایران و مالکیت ۵۰ درصدی ایران بر خزر عقب‌نشینی کرده‌اند و قرار است سهم ایران، به ۱۱ تا ۲۰ درصد کاهش یابد».

برای درک نادرستی این ادعا کافی است مسئله را به صورت منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم:

اگر دریای خزر یک دریای دایره شکل بود و ایران و شوروی در دو طرف این دایره به طور مساوی ساحل داشتند، طبق منطق و مقررات بین‌المللی، مالکیت هر کدام بر این دریا، ۵۰ درصد بود و هر گونه تغییری در جغرافیای سیاسی شوروی نمی‌توانست به سهم ۵۰ درصدی ایران خللی وارد کند.



اما واقعیت مسأله بر روی نقشه جغرافیا مقابل چشمان ماست: خزر ۶۵۰۰ کیلومتر ساحل دارد. در گذشته، از این میزان، ۵۸۴۳ کیلومتر متعلق به شوروی بود و تنها ۶۵۷ کیلومتر از آن برای ایران بوده است. حال چگونه و بر اساس کدام منطق عقلی و قاعده بین‌المللی می‌توان پذیرفت کشوری که ۹ برابر دیگری ساحل دارد، سهمی مساوی از دریا داشته باشد.

نقشه دریای خزر را ببینید! حالا یک خودکار بردارید و خط مرزی دریای خزر بین ایران و سایر کشورهای ساحلی را طوری ترسیم کنید که ۵۰ درصدش به ایران برسد. می‌بینید که اساساً و حتی روی کاغذ هم نمی‌توان این تقسیم‌بندی را انجام داد.

هم‌اکنون که اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده و در آن سوی خزر به جای یک کشور با ۴ کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان مواجه هستیم، سهم ایران همچنان همان ۶۵۷ کیلومتر ساحلی است و میزان مالکیت ایران بر دریا نیز، بر اساس همین میزان سهم از ساحل، به جای خود باقی است. الباقی دریا نیز بر اساس سهم ۵۸۴۳ کیلومتری شوروی سابق، بین ۴ کشور دیگر تقسیم می‌شود و سهمی از ایران کم نمی‌شود.

از طرفی بد نیست بدانیم کمترین میزان ساحل در خزر متعلق به ایران است: قزاقستان ۱۹۰۰ کیلومتر، ترکمنستان ۱۷۶۸ کیلومتر، روسیه ۱۳۵۵ کیلومتر، آذربایجان ۸۲۰ کیلومتر و ایران ۶۵۷ کیلومتر. با این حساب حدود 10 درصد از ساحل دریای خزر متعلق به ایران است. لذا چگونه ممکن است 50 درصد از دریای خزر متعلق به ایران باشد!



پس از روشن شدن این مسأله، مغالطه دیگری توسط برخی افراد نامطلع صورت می گیرد این است که: «درست است که ایران کمترین سهم ساحل را در خزر دارد ولی ایران و شوروی در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ معاهداتی داشته‌اند که طبق  آنها مالکیت خزر به ۲ قسمت ۵۰درصدی تقسیم شده است».

راستی‌آزمایی این ادعا اصلاً کار سختی نیست. کافی است به متن این دو معاهده مراجعه کرد؛ در هیچ بندی از این دو معاهده، کوچک‌ترین اشاره‌ای به مالکیت ۵۰ درصدی دو کشور نشده است:

- در معاهده ۱۹۲۱ حق کشتیرانی ایران در خزر به رسمیت شناخته شده است. بر اساس معاهده ترکمانچای ایران از حق کشتیرانی در خزر ممنوع شده بود که دولت جدید شوروی در آن دوران، با معاهده ۱۹۲۱ این حق را به ایران برگرداند.

- مواد دیگر معاهده 1921 و معاهده ۱۹۴۰ درباره بهره‌برداری از شیلات، عوارض بندری، نحوه حمل و نقل مسافر و بار و نظایر این‌ها سخن می‌گوید.

برای روشن شدن موضوع و بازی رسانه ای اجرا شده حول این موضوع ذکر این نکات ضروری است:

نخست؛ پس از انقلاب اکتبر 1918 و تغییر در حاکمیت شوروی، موافقتنامه ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی منعقد شد و حق انحصاری روس‌ها برای کشتی رانی در خزر، که در عهدنامه ننگین ترکمنچای به شوروی واگذار شده بود، لغو شد. لذا ایران نیز دارای حق کشتیرانی، بدون ذکر هیچ درصد و سهم مشخصی گردید. در ادامه نیز در سال ۱۹۴۰ میلادی، توافق جدیدی میان ایران و شوروی صورت گرفت که طی آن تا فاصله ۱۰ مایلی از سواحل، آب‌های تحت حاکمیت کشورها عنوان شد و الباقی دریا به‌صورت مشاع در نظر گرفته شد. لذا، هیچ سهمی مبنی بر ۵۰ درصد عنوان نشده بود و عبارت «مشاع» بدون هیچ مبنای علمی به‌عنوان سهم ۵۰ درصدی ایران تفسیر می‌شود.

دوم؛ اختلاف اصلی که امروزه در خزر وجود دارد، پیرامون استفاده از منابع بستر و زیربستر است. لذا، در مورد کشتی‌رانی (که موضوع اصلی کنوانسیون‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بود) همچنان اختلاف چندانی وجود ندارد؛ در زمانی که اصلاً مقوله انرژی در خزر موضوعیت نداشت، عهدنامه‌های مذکور با شوروی به امضا رسید. لذا، مقایسه شرایط امروز با آن زمان، آن هم در شرایطی که یک گزاره مهم و مبنایی وجود نداشته است، یک مقایسه از اساس باطل است.

سوم؛ در توافق اخیر مابین 5 کشور حوزه خلیج فارس در تاریخ 21 مرداد 1397 که با نام «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر»[[22]](#footnote-22) شناخته می‌شود و شبهات اخیر به بهانه آن منتشر شده است نیز، دربند اول از ماده ۸ به وضوح بیان شده است که:

«تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر به بخش‌ها باید **از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل**، با در نظر گرفتن اصول و موازین عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به‌منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیربستر انجام شود...».

از طرفی در ماده ۱ این کنوانسیون که به تعریف اصطلاحات می پردازد، در توضیح اصطلاح «خطوط مبدأ مستقیم» تصریح می‌کند:

«خطوط مبدأ مستقیم» ــ خطوط مستقیمی است که نقاط مربوط / مناسب را بر روی خط ساحلی به یکدیگر وصل می‌کند و خط مبدأ را در مکان‌هایی که خط ساحلی مضرّس می‌باشد یا در مکانی که در آن حاشیه‌ای از جزایر در امتداد ساحل و در مجاورت نزدیک آن قرار دارد، تشکیل می‌دهد. روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم باید در موافقتنامه جداگانه‌ای بین همه طرف‌ها تعیین شود».

لذا می‌بینیم که در این دو بند از کنوانسیون، صریحاً اعمال حقوق حاکمه دولت ها و همچنین تعیین خطوط مبدأ مستقیم موکول به موافقت نامه‌های دیگر و مشروط به پذیرش طرفین شده است. لذا، اصولاً ادعا در مورد واگذاری سهم ایران از دریای خزر و به‌رسمیت شناخته شدن توافق کشورهای شمال درباره سهم هر یک از خزر، بی‌پایه و اساس است.

**انواع تقسیم آب دریای خزر**

در حالت عادی بر اساس حقوق بین‌الملل دریاها سهم هر کشور از منابع دریا چیزی بین 200 تا 300 مایل دریایی است (که تقریبا به نفع ایران و روسیه است). اما در صورت بروز مناقشه، سه فرمول منطقی برای تقسیم بندی دریا وجود دارد که عبارت اند از:

فرمول اول: تقسیم دریا بر مبنای طول خط ساحلی (به نفع قزاقستان با بیشترین طول خط ساحلی و به ضرر ایران با کمترین طول ساحل)

فرمول دوم: تقسیم بر اساس مساحت کف دریا (به نفع روسیه با بیشترین مساحت محصور)

فرمول سوم: تقسیم به مساوات (بهترین حالت برای ایران با سهم 20درصدی) و این تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که کشوری مانند قزاقستان که ۱۹۰۰ کیلومتر از سواحل خزر را در اختیار دارد، رضایت دهد که از حق خود بگذرد و با ایرانی که ۶۷۵ کیلومتر دارد، حق‌السهم یکسانی در خزر داشته باشد.

تمام بحث ها بر سر رژیم حقوقی دریای خزر بر سر پذیرش یکی از سه فرمول بالا در جریان است که البته ایران با وجود اینکه طبق دو فرمول اول حدود 8 تا 10 درصد سهم خواهد داشت و به رغم مقاومت شدید کشورهای همسایه (به ویژه آذربایجان)، تا کنون موفق شده است تا محدوده 18درصدی، مقتدرانه اعمال حاکمیت کند.

در سال ۱۹۹۸ سه کشور روسیه، آذربایجان و قزاقستان ۶۴ در صد را بین خود تقسیم و مابقی را به ایران و ترکمنستان سپردند که مورد موافقت ایران قرار نگرفت؛ لذا ترکمنستان نیز در این مطالبه به ایران پیوست. در دولت احمدی نژاد در خط مرزی ۱۸ درصدی دریا یک سکوی شناور اکتشافی بارگذاری و نصب شد. این اقدام هرچند با مخالفت آذربایجان روبرو شد اما در پاسخ با برخورد قاطع ایران مواجه، و بازگشت سرزمین مادری به باکو گوشزد شد. پس از آن نیز پیشنهاد ۶۴ درصدی بین ۳ کشور، به دلیل مخالفت ایران و ترکمنستان بدون نتیجه رها شد.

1. . مدیر اندیشکده راهبردی سعداء [↑](#footnote-ref-1)
2. . نک: اصل 9 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نک: مؤسسۀ تنظيم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)، *صحیفۀ امام*، ج17، ص۵۶. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مؤسسۀ تنظيم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)، *صحیفۀ امام*، ج‌1۴، ص‌13۵. [↑](#footnote-ref-4)
5. . مصاحبه حضرت امام با رادیوتلویزیون فرانسه در 23شهریور13۵7، به‌نقل‌از: مؤسسۀ تنظيم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)، *صحیفۀ امام*، ج3، ص۴۶8. [↑](#footnote-ref-5)
6. . مؤسسۀ تنظيم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)، *صحیفۀ امام*، ج10، ص۴3۸و۴3۹. [↑](#footnote-ref-6)
7. . اسد الله عَلَم،*یادداشت های علم، ج6، ص 237* [↑](#footnote-ref-7)
8. . جیمز بیل، *عقاب و شیر*، ص327. [↑](#footnote-ref-8)
9. . مایکل لدین و ویلیام لوئیس، *کارتر و سقوط شاه*، ص30. [↑](#footnote-ref-9)
10. . محمد محیط طباطبایی، *مجموعه آثار میرزاملکم‌خان*، ص10. [↑](#footnote-ref-10)
11. . نک: "انجمن ایران و آمریکا"، فصلنامۀ *مطالعات تاریخی*،ش9،پاییز1384،ص15. [↑](#footnote-ref-11)
12. . آنتونی پارسونز، *غرور و سقوط*؛ خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، ص91. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نک: مینو صمیمی، *پشت‌پردۀ تخت‌طاووس*، ص49تا52. [↑](#footnote-ref-13)
14. ایران بر ضد شاه، ژان لوروربه و احمد فاروقی، ترجمه مهدی نراقی، ص103 [↑](#footnote-ref-14)
15. ظهور و سقوط پهلوی، حسین فردوست، ج1، ص 82 [↑](#footnote-ref-15)
16. انقلاب سفید، محمد رضا پهلوی، فصل اصلاح قانون انتخابات، ص 107 [↑](#footnote-ref-16)
17. 25سال در کنار شاه، اردشیر زاهدی، ص217-218 [↑](#footnote-ref-17)
18. . نک: حسین فردوست، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛* خاطرات حسین فردوست، ج۱، ص100تا10۴. [↑](#footnote-ref-18)
19. . نک: علی سلیمان‌پور و امیر اکبری، «روابط خارجی ایران و آمریکا در آستانۀ انقلاب اسلامی»، فصلنامۀ علمی‌پژوهشی *پژوهش‌نامۀ تاریخ*، س۱۱، ش۴۲، بهار 139۵، ص129تا1۴8. [↑](#footnote-ref-19)
20. . نک: ابراهیم سنجر، *نفوذ آمریکا در ایران*، ص121. [↑](#footnote-ref-20)
21. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به ویرایش نهایی برنامه جامع همکاری (۲۵ ساله) ایران و چین، ارايه شده توسط وزارت خارجه مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-21)
22. <http://dolat.ir/detail/311355> [↑](#footnote-ref-22)